

تعاونی سازی در کنار خصوصی سازی

سعید زرگرانی

چکیده

خصوصی سازی فرآیندی است که طی آن وظایف و امکانات بخش دولتی در سطوح مختلفی به بخش خصوصی انتقال داده می شود. در مفهوم حقیقی، به اشاعه این فرهنگ در کلیه سطوح جامعه اطلاق می گردد که دستگاه های قانونگذار و مجری و تمامی آحاد یک کشور باید به این باور برسند که بدون دخالت دولت قادر به انجام وظایف و مسئولیت های مربوط به جامعه خود بوده و هیچ نهاد و قدرتی نمی تواند آنها را از انجام مسئولیت هایشان باز دارد. (رهنی ۱۳۸۲)

در این مقاله، مفاهیم اساسی کاهش تصدیگری دولتی و مزایای مترتب بر آن از جهات اقتصادی و اجتماعی و همچنین نقش مؤثرتر و کاراتری که تشکیل های تعاونی در خصوصی سازی واحدهای دولتی می توانند ایفا نمایند مطرح می شود. بخش تعاونی، شکل نوینی از فعالیت های اقتصادی است که با به کار گرفتن استعدادهای و امکانات اکثریت مردم برخوردار از مواهب، مالکیت مشروع و متعادل را پدید می آورد. در بخش اول به لزوم خصوصی سازی و موقعیت دولت در اجرای آن و نیز به دلایل عدم موفقیت خصوصی سازی می پردازد که مهم ترین دلایل آن عبارتند از: بی ثباتی نسبی اقتصادی، نبود قوانین پشتیبان، فرسودگی ساختار، رقابت پذیری اقتصاد دولتی.

در بخش دوم، سهم و نقش بخش تعاونی در کاهش تصدیگری دولت بیان شده و طی آن تشکیل شرکت های تعاونی بزرگ با مشارکت فراگیر و تلاش برای جلب همکاری و حمایت وزارتخانه ها و سایر دستگاه های دولتی جهت اختصاص سهم مناسبی از فعالیت ها و امکانات به تعاونی های تخصصی و فراگیر توصیه می شود. در این رهگذر و با ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری، انتظار می رود که با اجرای برنامه های راهبردی وزارت تعاون موجبات جهش و توسعه در بخش تعاون کشور فراهم شود.

واژگان کلیدی: تعاونی، توسعه، تصدیگری دولت، خصوصی سازی

مقدمه

اقدامات اجرایی آن انجام شده است. با توجه به مبانی نظری و متدولوژی کاهش تصدیگری دولتی و تجارب عملی آن در کشورهای جهان، هنوز ماهیت و قلمرو خصوصی سازی در شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی ایران و اینکه نسبت توزیع این

بحث کاهش تصدیگری دولتی در ایران از دهه هفتاد آغاز گردیده است و در آخرین سال برنامه دوم توسعه و در برنامه های سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور مباحثات و

شرکت‌ها بین دو بخش خصوصی و تعاونی چگونه باشد تا منافع مالی جامعه هم در بلندمدت و هم در کوتاه‌مدت در ارتباط با افزایش کارایی و بهره‌وری شرکت‌های قابل واگذاری و نقش آنها در ایجاد اشتغال، توزیع درآمد و عدالت اجتماعی به‌صورت بهینه حاصل گردد، روشن نیست. در تحقیق حاضر مفاهیم اساسی کاهش تصدیگری دولتی و مزایا و معایب مترتب بر آن از جهات اقتصادی و اجتماعی تبیین می‌شود و سپس نقش مؤثرتر و کاراتری که شکل‌های تعاونی در خصوصی‌سازی واحدهای دولتی می‌توانند ایفا نمایند مطرح می‌شود.

ضرورت خصوصی‌سازی

بازسازی و بهینه‌سازی در شرایط کنونی نیازمند سرمایه‌گذاری متناسب و در سطوح بالاتری می‌باشد. تجربه نشان داده است که موفقیت توسط شرکت‌های دولتی صددرصد نیست. لذا بخش خصوصی می‌تواند نقش بارزتری در امر سیاست‌گذاری ایفا نماید. قابل ذکر است که اثربخشی کاهش تصدیگری دولتی صنایع در کشور ما به عواملی چون شرایط و وضعیت صنعت و فرهنگ ارتباط تام دارد. بایستی باور داشت که همواره کاهش تصدیگری دولتی یکی از ابزارهای مشارکت مردم در امور محسوب می‌گردد. به‌طورکلی یکی از اهداف کاهش تصدیگری دولتی در کشورها پایان دادن به دو شیوه دخالت دولت در امر وضع قوانین و مقررات زیاده از حد و تقویت مدیریت مستقیم و تنظیم روابط از طریق اقدامات بازدارنده می‌باشد. از دیگر اهداف عمده دولت در اجرای سیاست کاهش تصدیگری دولتی، می‌توان از توسعه اقتصادی، تعدیل اقتصادی افزایش کارایی، از بین بردن کسری بودجه، کاهش فعالیت اجرایی دولت و افزودن به نقش نظارتی آن، از بین بردن عدم مشارکت و جلب مشارکت عمومی، بهره‌وری از بازار رقابتی و کسب درآمد حاصل از فروش این‌گونه شرکت‌ها نام برد. همچنین می‌توان از زمینه‌هایی چون جلب سرمایه‌گذاری خارجی

برای دستیابی به تکنولوژی جدید، حمایت دولتی در بخش تولید به منظور رقابت برای مدیران جهت اداره شرکت‌ها و استفاده از تجارب این مدیران جهت اداره شرکت‌ها و استفاده از تجارب این مدیران همراه با تجارب صاحبان سرمایه جدید نام برد.

بسیاری از مسائلی که در بحث کاهش تصدیگری دولتی اعلام می‌شود متوجه ضرورت کاهش تصدیگری دولتی و یا آثار آن است. از مهم‌ترین اهداف و آثار کاهش تصدیگری دولت، کوچک کردن حجم فعالیت‌های دولت می‌باشد. این عمل واکنشی طبیعی نسبت به گسترش فعالیت‌های اقتصادی دولت بویژه بعد از جنگ جهانی دوم تاکنون بوده است. در کشورهایی که بازار، سازمان‌یافته و در ابعاد مختلف وجود دارد و شرایط رقابت برای تولید کالاها و خدمات فراهم می‌باشد شرکت‌های دولتی را می‌توان مستقیماً از طریق فروش و ارائه و یا انتقال مالکیت به بخش خصوصی واگذار نمود. در مواردی که دولت ضرورتاً می‌بایستی کنترل و هدایت عرضه کالاها و خدمات را در دست داشته باشد، می‌توان امور را از طریق پیمانکاری به واحدهای خصوصی واگذار نمود. انتقال مالکیت و کنترل اقتصادی در کشورهای پیشرفته سبب می‌شود تا بسیاری از نگرانی‌ها و دغدغه‌های قانونی تصمیم‌گیرندگان اقتصادی - سیاسی درباره مسائل تصمیم‌گیری در سرمایه‌گذاری وضعیت سود و زیان و سایر مسائل تولیدی و تجارتي شرکت‌ها، کاسته شود. برعکس در کشورهای در حال توسعه، داشتن کنترل بر شرکت‌ها به دلیل بی‌مسئولیتی در پاسخگویی به مراجع قانونی یک امتیاز و شاخص قدرت محسوب می‌شود.

از عمده‌ترین شاخص‌ها و هدف‌های کاهش تصدیگری دولتی افزایش کارایی در فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد که شامل کارایی داخلی بنگاه و کارایی تخصیص منابع است. این دو مقوله لزوماً در توافق با هم نیستند و گاهی سیاستگذاران

ناچارند در فرآیند کاهش تصدیگری دولتی، یکی از شاخص‌های فوق را بر دیگری ترجیح دهند.

عوامل مؤثر بر کارایی شامل موارد زیر می‌شوند:

۱- تغییر مالکیت:

افزایش کارایی داخلی به معنای مصرف بهینه نهاده‌ها و در نهایت کاهش هزینه تولید می‌باشد. اعتقاد بر این است که جریان بازدهی دارایی تحت مالکیت بخش خصوصی بیشتر از دولتی است، هرچه میزان توجه به مالکیت کمتر شود ارتباط میان فرصت‌ها، پاداش‌ها و مسئولیت‌ها نیز کاهش می‌یابد. به بیان دیگر، نیروی محرکه اصلی افزایش کارایی داخلی بنگاه به حداقل رساندن هزینه تولید، انگیزش و مالکیت فردی ابزارهای تولید می‌باشد. از آنجا که دارایی‌های شرکت‌های دولتی تحت تملک اشخاص حقیقی یا حقوقی خاصی قرار ندارد این شرکت‌ها به سهولت با شرایط اقتصادی جامعه هماهنگ نشده، به سرعت به دیگران انتقال نیافته و کارایی تولید به بوت‌ه فراموشی سپرده می‌شود. آنچه خصوصی‌سازی به بار می‌آورد به هم ریختن سیستم انگیزشی و ایجاد انتقال‌پذیری با سپردن مالکیت ابزار تولید به شخص حقیقی یا حقوقی است. بنابراین محدود ساختن حقوق مالکیت در نحوه استفاده از دارایی‌ها، موجب ارزش‌گذاری دارایی‌ها به میزان کمتر از ارزش واقعی بوده و این امر به تعلل در نگهداری دارایی‌ها و استفاده از توان بالقوه آنها خواهد انجامید.

صاحبان بنگاه‌های حقوقی به‌علاوه بازار حساس‌تر هستند و در مقایسه با بخش دولتی، انعطاف‌پذیری بیشتری در تعدیل و تغییر و به‌کارگیری نهاده‌های تولید به هنگام بروز تغییرات در محیط خارج دارند. این امر موجب ارتقاء کارایی داخلی می‌شود. بخش دولتی، به دلیل ساختار انعطاف‌ناپذیر و تعلل‌های بوروکراتیک و سازمانی، توان چنین تعدیل‌هایی را نداشته و غیرکارآمد است. لذا انتقال مالکیت جهت افزایش کارایی داخلی امری ضروری است.

۲- رقابتی بودن بازار:

رقابت در بازار، زمینه‌ساز افزایش کارایی است. منظور از کارایی تخصیص منابع، هدایت جامعه در مسیر انجام فعالیت‌های مطلوب، مصرف بهینه نهاده‌ها و واکنش عرضه در راستای تقاضای مصرف‌کننده است که در نهایت موجب کاهش قیمت‌ها در سطحی نزدیک به هزینه نهایی تولید می‌شود. از این دیدگاه، انتقال مالکیت بدون وجود فضای رقابتی نه تنها باعث افزایش کارایی نخواهد شد بلکه مسأله‌آفرین است و انحصار دولتی را تبدیل به انحصار خصوصی می‌کند و به زیان کارایی تخصیص منابع در سطح کلان می‌شود. تغییر در مالکیت بنگاه موجب کاهش دخالت‌های غیراقتصادی در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌ها، ساده و شفاف نمودن هدف‌های شرکت و از بین رفتن شبکه پیچیده کنترل‌های دیوان‌سالارانه دولتی می‌گردد. از طرفی انضباط حاکم در بازار سرمایه خصوصی و رقابت در جهت افزایش هرچه بیشتر منابع، موجب ارتقای کارایی در بنگاه تولیدی می‌شود.

بدیهی است وجود رقابت سالم در میان شرکت‌های خصوصی شده و شرکت‌هایی که از قبل خصوصی بوده‌اند مستلزم انجام اصلاحاتی است. برخی از این اصلاحات عبارت‌اند از: آزادسازی قیمت‌ها، تغییر قیمت‌های نسبی، آزادسازی تجارت خارجی، حذف یارانه‌ها و تعرفه‌ها، تعیین مناسب نرخ ارز، حذف معافیت‌های مالیاتی. بدون این اصلاحات، بنگاه خصوصی شده با همان مشکلاتی که پیش از خصوصی شدن نیز به‌نوعی با آن درگیر بوده است مواجه خواهد شد. به‌عبارتی، سازوکار بازاریابی بازگشت سرمایه را برای جلب رضایت سرمایه‌گذاران و سهامداران الزامی می‌نماید و این سازوکار در بهبود ارتقای عملکرد شرکت‌ها بسیار قوی‌تر از سرمایه‌گذاری‌های ناهماهنگ و سیاست‌های اعتباری دولت عمل می‌کند. در سازوکار بازار، مدیران بخش خصوصی مجبورند در هرگونه سرمایه‌گذاری تمامی مسایل تأمین اعتبار، بازگشت سرمایه و رضایت مصرف‌کنندگان

را در نظر بگیرند.

سازوکار آزاد و انعطاف‌پذیر تصمیم‌گیری در بخش خصوصی به مدیران اجازه می‌دهد که برای جلب و جذب نیروهای ماهر مبالغ مناسبی پرداخت کنند. مجموع نیروهای مختلف، شرایط را برای تخصیص بهینه و همچنین کاهش هزینه‌های تولید فراهم آورد و در نتیجه کارایی افزایش یابد. آزادی انتخاب مصرف‌کننده، میزان تولید را تعیین می‌کند که به افزایش تولید تخصصی می‌انجامد. فشار رقابت در بازار، تولیدکنندگان را مجبور می‌سازد هزینه‌های تولید را به حداقل برسانند و کاهش هزینه‌های تولید با تغییر روش‌های تولید صورت می‌گیرد و این تغییر نیازمند انگیزه‌های نوآوری و ابتکار می‌باشد.

ارزشهای اساسی تعاونی‌ها

نهضت‌های تعاونی نوین به‌عنوان نسخه درمان وضعیت اسفبار استعماری که در جریان صنعتی شدن به‌وجود آمده بود آغاز گردید. جوهره این نسخه آن بود که مجموعه‌ای از ارزش‌های برتر را جایگزین ارزش‌های متداول موجود در میان مردم نماید. به‌خصوص برای کسانی که در خط مقدم جریان استثمار صنعتی قرار داشتند و اصلی‌ترین ارزش در میان مجموعه ارزش‌های برتر و جدید ارزش ریشه‌کن کردن استثمار در تمامی صور آن بود. جایگزین نمودن ارزش‌ها از راه‌هایی چون دفاع کردن از اصول منطقی فرآیند تصمیم‌سازی، محدود نمودن سود برگشت سرمایه، تأیید و حمایت از شأن و کرامت انسان و تضمین دادن به او برای مشارکت کامل، نهادینه ساختن شیوه‌هایی که نیازهای اجتماعی و اقتصادی انسان را برآورده می‌سازد، امکان‌پذیر می‌باشد.

جایگزین نمودن ارزش‌ها را همچنین می‌توان از طریق آموزش مستمر و آگاهی دادن به جامعه برمبنای اینکه ظلم اجتماعی ناشی از تفکری است که به برتری سرمایه و احتمالاً تکنولوژی معتقد است میسر ساخت و از این طریق ارزش‌های جدید

را جایگزین ارزش‌های کهنه و قدیمی گرداند.

در نظام وسیع اجتماعی، تعاونی به‌عنوان ارزشی متعالی بتدریج، توسط کسانی که به مقصد مشترک توجه داشتند شکل گرفت و کاربرد آن به شکل سازمان، با در برداشتن مجموعه‌ای از ارزش‌های انسان‌گرا، به‌طور فزاینده‌ای اشاعه یافت و به رسمیت شناخته شد. کسانی که آرمان‌های غیراستثمار در آنها زنده بود تعاونی را به‌عنوان یک سازمان کسب و کار که دارای شایستگی‌های فراوانی می‌باشد دریافتند.

ارزش‌ها، شکل‌دهنده اعتقادات بنیادین و تقاضاهای اساسی و منطقی و رفتار انسان می‌باشند و حدود و فعالیت‌های انسان را تعیین می‌نمایند. ارزش‌ها فراهم‌کننده مبنا برای برقراری اهداف و سیاست‌های عملیاتی بوده و به‌عنوان معیارهایی مفید برای سنجش نتایج به‌دست‌آمده از تلاش‌های موفق و کارایی منابع به‌کار می‌روند. درمورد تعاونی‌ها، ارزش‌ها مبنایی را برای پی‌ریزی اصول فراهم می‌نمایند. نظر به اینکه اصول به مثابه راهبردهایی برای عملیاتی کردن فعالیت‌ها تلقی می‌شوند لذا می‌تواند و باید برحسب زمان تغییر نماید. تغییر اصول می‌تواند به‌دلیل انتظارات جدید جامعه صورت گیرد و همچنین الزام اصلی تغییر اصول می‌تواند به‌دلیل صیانت از روابط اجتماعی و کارایی اقتصادی تعاونی‌ها باشد.

نهضت نوین تعاون با الهام از مکتب رابرت اوون در اوایل قرن نوزدهم آغاز شد. اوون، به شناسایی مشکلات اجتماعی زمان خود پرداخته و برای فائق آمدن بر آن به فکر ایجاد تعاونی به‌عنوان یک راه حل افتاد و اولین تعاونی‌ها را در انگلستان پایه‌گذاری نمود. اوون با تمرکز بر شرایط و دنیای صنعتی قرن نوزدهم، که عموماً در عملکرد کارخانجات بزرگ مشاهده می‌شد، در جست‌وجوی راهی بود که از آن طریق بتواند شخصیت بارز کارگران را بروز دهد. کارگران در دنیای صنعتی قرن نوزدهم در بدترین شرایط زندگی می‌کردند و از نظر روحی و مادی در محرومیت بودند و این امر ناشی از رشد سریع

و کنترل نشده اقتصادی و نیز فروپاشی پیوندهای اجتماعی بود. از پایه گذاران تعاونی نوین، پیشگامان راچدیل بودند که با الهام از مکتب اوون قواعد کار خود را بنا نهادند و بعدها این قواعد پایه‌های اصول تعاون را، که به وسیله اتحادیه بین‌المللی تعاون در سال ۱۹۳۷ پذیرفته شد، تشکیل داد.

باتوجه به سابقه تاریخی حضور تعاونی در کشورمان، بدون تردید می‌توان این‌گونه قضاوت نمود که تعاونی در کشور ما، مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه دیگر، به‌عنوان یک نهضت که حرفی برای رفع مشکلات اقتصادی - اجتماعی جامعه داشته باشد حضور نیافت؛ بلکه به مثابه یک شرکت مانند سایر شرکت‌ها وارد قانون تجارت کشور گردید. موضوع فوق در واقع اصلی‌ترین ضعف تعاونی‌ها در کشور است و می‌تواند مورد آسیب‌شناسی و در نتیجه درمان قرار گیرد. در اینجا توصیه می‌شود، محققان عزیز و دلسوز هنگام بررسی تعاونی‌ها به این محور کلیدی توجه خاص نمایند.

چنانچه بخواهیم خصوصیات یک تعاونی مطلوب و واقعی را برشمردیم، و متعاقب آن آسیب‌شناسی تعاونی کشورمان را با آن ارزیابی نماییم، با توجه به تعاریف مستمر و مکرری که از تعاونی‌ها در مباحث قبلی داشتیم چهره یک تعاونی مطلوب را می‌توان بدین شرح ترسیم نمود:

- ۱- مشارکت بیشتر اعضا را فراهم می‌سازد و آنان را با فعالیت‌های اقتصادی تعاونی درگیر می‌سازد،
- ۲- به اعضا کمک می‌کند تا درآمد خود را افزایش دهند،

- ۳- کمک می‌کند تا بهره‌وری در فعالیت‌های اعضا، ارتقا یابد،

- ۴- در راستای خوداعتمادی حرکت می‌کند،

- ۵- عضو را تحت پوشش وسیع قرار می‌دهد،

- ۶- فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی را رونق می‌بخشد.

این خصوصیات درحقیقت می‌تواند به‌عنوان یک اولویت ملی برای توسعه اقتصادی - اجتماعی

کشور نیز مطرح شود و باتوجه به این هويت، ساختار و سازمان تعاونی تشکیل شود.

بررسی‌ها و مطالعات، پیرامون تعاونی‌های کشور حاکی از خصوصیات گفته‌شده در فرآیند توسعه تعاونی‌ها در کشور نمی‌باشد. تعاونی‌ها به لحاظ کمیّت، رشد خوبی کرده‌اند اما، از آنجایی که عنصر اصلی تعاونی یعنی عضو بخوبی تعریف و مشخص نشده است، مشخصات تعاونی‌های مطلوب در کشور ما بخوبی دیده نمی‌شوند.

شکی نیست که یک سازمان تعاونی نیز، نظیر همه نهادهای حقوقی دیگر، در فرآیند رد و توسعه خود میل به موفقیت داشته و چنانچه به موفقیت دسترسی نیابد لاجرم به سمت نابودی و اضمحلال حرکت خواهد کرد.

امروزه در بسیاری از جوامع و اقتصادها، نهادسازی پایدار و پویا در قالب نهادهای مدنی که محصول فرآیند مشارکت و حضور مردم در فعالیت‌های متنوع اقتصادی و اجتماعی باشد، یا وجود ندارد و یا اینکه با کندی و دشواری همراه است. همین امر توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی کشورها و موجبات تمایز جوامع را مشخص می‌کند.

یافتن راهکارهای مؤثر اقتصادی و اجتماعی همواره مورد توجه دولت‌ها و همچنین نخبگان فکری جامعه بوده است. گرچه تبیین راهکارهای درمان‌کننده همواره در ابتدای راه با تردید و دغدغه مواجه بوده‌اند، ولی چنانچه راهبرد انتخابی ترکیبی از دو عنصر دانایی و توانایی باشد قطعاً موفقیت و کارکرد فعال و مثبت را در پی خواهد داشت. در عرف اجتماعی، به چنین راهکار مؤثری عنوان "نهضت" اطلاق میکنند. نهضت تعاونی از جمله راهکارهای درمان‌کننده‌ای بوده که طی دو قرن اخیر موجبات ارتقای سطح اقتصادی و اجتماعی بسیاری از جوامع را مشخص می‌کند.

نهضت تعاونی در ذات و جوهره خود مبانی ذیل را داراست:

● منطق با واقعیات اجتماعی است.

● فراگیر و جامع است و در متن خود، بخش وسیعی از جامعه را پوشش می‌دهد.

● فرصت نوآوری و خلاقیت را در جامعه، به‌منظور رفع موانع پیش‌روی آنها، بسط و گسترش می‌دهد.

● در متن و افکار عمومی جامعه و نیز نخبگان فکری به‌عنوان یک راهکار سازمان‌دهنده و نهادساز تلقی می‌گردد.

● مدافع و تأمین‌کننده منافع جمعی و فرآیندی است که از پایین به بالا در جهت منافع ملی کارکرد خود را بروز خواهد داد.

اهداف "تعاونی‌سازی"

مهم‌ترین اهداف "تعاونی‌سازی" را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

۱- مدیریت بهینه منابع و افزایش بهره‌وری در تولید، فرآوری، بازاریابی و مصرف کالا،

۲- ساماندهی نهادها و سازمان‌های اجرایی مرتبط با توزیع کالا اعم از دولتی و غیردولتی در راستای کاهش تصدیگری دولت،

۳- ارتقای فرآیند تولید و فرآوری کالا و نیز بازاریابی آن،

۴- افزایش درآمد و نیز ایجاد ارزش افزوده به‌منظور انجام سرمایه‌گذاری‌های لازم در فرآیند و چرخه تولید و مصرف کالا،

۵- ارتقای کیفی و مطلوبیت کالا و نیز رقابتی نمودن آن در بازار مصرف،

۶- سهل و آسان نمودن روابط اداری و مدیریتی کالا از طریق ایجاد ساختارهای افقی و عمودی.

ساختار سازمانی تعاونی‌سازی

دولت می‌تواند با رعایت اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی، شرکت‌های صنعتی یا کشاورزی یا خدماتی و امثال آنها و اموالی را که به‌صورت اموال عمومی در اختیار دارد در قبال دریافت وجه نقد و یا کالا با حفظ سایر حقوق مالکیت و با رعایت موارد زیر به‌صورت اجاره از طریق مزایده

در اختیار شرکت‌های تعاونی و یا بخش خصوصی قرار دهند.

در ادامه ماده ۱۸ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران آمده است که دولت در اجرای بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی می‌تواند به یکی از اشکال زیر عمل نماید:

۱- واحدهای مذکور را به‌صورت حبس موقت یا مادام که تعاونی به‌صورت قانون تعاون داوطلب اداره باشد در اختیار تعاونی قرار دهد و تعاونی مالک منافع آن باشد،

۲- در صورتی که واحدهای مذکور، کارکنان واجد شرایط داشته باشند برای عضویت در آن تعاونی اولویت خواهند داشت و مابقی اعضا از فرزندان و وابستگان درجه ۲ کارکنان تأمین و حداکثر ۴۹ درصد در اختیار دولت (وزارت تعاون)

برای داوطلبان واجد شرایط بعدی باقی می‌ماند،

۳- دولت می‌تواند طبق قرارداد بابت استهلاك، یا بازسازی، یا نگهداری و یا توسعه واحد مزبور سالانه مبلغی نقد و یا کالا دریافت نماید و مدیریت آن را به یک شرکت تعاونی اجاره دهد.

از آنجا که مشارکت اقتصادی و اجتماعی مردم در فعالیت‌ها یکی از اصول تعاون است و سنجش موفقیت هر شرکت تعاونی با میزان تشریک مساعی اعضا با یکدیگر و مشارکت اقتصادی اعضا با تعاونی منجیده می‌شود بنابراین قانون تعاون نه تنها زمینه این همکاری بین اعضا را فراهم می‌آورد بلکه به دولت اجازه می‌دهد با سهم ۴۹ درصد با شرکت‌های تعاونی مشارکت داشته باشد.

اهمیت تعاونی‌سازی در کشور و همگامی آن با سیاست‌های کلان

براساس راهکارهای اجرایی رهنمودهای برنامه چهارم توسعه، اشتغال‌بیکاران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ضرورت‌ها و چالش‌های اساسی کشور در سال‌های آتی خواهد بود و برای کمک به امر تعاونی‌سازی دو هدف ذیل مدنظر می‌باشد:

۱- تعاونی‌سازی به‌منظور اجرای قسمتی از

شعارهای عدالت اجتماعی و کاهش تصدیگری دولت محقق می‌گردد.

۲- اشتغال و کاستن نرخ بیکاری فعلی به منظور فراهم آوردن رشد اقتصادی، توسعه منابع انسانی و فناوری و بهره‌مندی از منابع و امکانات کشور. تعاونی‌سازی راهی اصولی برای اجرای عدالت اجتماعی و افزایش تقاضای نیروی کار و کاهش فشار بیکاری، حمایت مؤثر از خویش‌فرمایی گروهی بویژه در قالب تعاونی‌های تولیدی و اشتغالزایی است که در تدوین آن با جامع‌نگری کامل، کاهش تصدی دولت تحقق می‌یابد. از جمله روش‌های اصولی برای افزایش تقاضای نیروی کار و کاهش فشار بیکاری، حمایت مؤثر از خویش‌فرمایی گروهی بویژه در قالب تعاونی‌های تولیدی و اشتغالزایی است.

پیشنهاد روش‌ها

برای تحقق هدف فوق راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱- تشکیل و توسعه تعاونی‌های زودبازده تولیدی و خدماتی بویژه برای بانوان و جوانان روستایی،

۲- حمایت اصولی و هدف‌دار از شکل‌گیری و ایجاد تعاونی‌های تولیدی و خدماتی متشکل از جوانان و فارغ‌التحصیلان بویژه در جوامع و حاشیه‌نشینان شهری،

۳- اعطای تسهیلات اعتباری و ارائه خدمات فنی و مشاوره‌ای رایگان به تعاونی‌های تولیدی و خدماتی در حال شکل‌گیری،

۴- تشویق سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی تولیدی در مناطق روستایی از طریق اختصاص بخش و یا پاره‌ای از فعالیت‌های تولیدی در روستا،

۵- افزایش سهم اعتبارات بانکی، کمک‌های دولتی، تسهیلات و امکانات عمومی جهت توسعه تعاونی‌هایی که از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و دارندگان مهارت‌های فنی و حرفه‌ای تشکیل می‌گردند.

مناسب‌ترین کار در برنامه توسعه تعاونی‌ها و تقویت بخش تعاون، واگذاری واحدهای قابل واگذاری موجود به تعاونی‌ها است. از طریق تعاونی‌سازی واحدها قسمت عمده‌ای از برنامه‌های اشتغال و هدف‌گیری‌ها را تأمین می‌کنند. در مورد روش اجرای کار، اگر شرکت قابل واگذاری دارای سابقه سودآوری قوی نباشد عرضه سهام به شرکت‌های تعاونی پس از انجام اصلاحات در نوع شرکت و انجام تغییرات لازم در حجم و ترکیب نیروی انسانی، سرمایه شرکت و اصلاح تکنولوژی شرکت میسر خواهد بود.

در برنامه‌ریزی، رعایت تدابیر کاربردی ضروری است.

در تدابیر سازمانی می‌توان به دو شیوه برنامه را دنبال کرد:

۱- یک واحد را می‌توان به چند واحد کوچک‌تر تجزیه کرد و سپس هریک را به شرکت تعاونی مجزا واگذار نمود.

۲- واحد اصلی را به یک شرکت مرکزی (هولدینگ) که دارای چندین واحد کوچک باشد تبدیل می‌کنند. حداکثر تا ۴۹ درصد سهام این شرکت را بیکاران و متقاضیانی که دارای تخصصی ویژه باشند در اختیار می‌گیرند و مابقی را به یک شرکت تعاونی واگذار می‌نمایند. اعضای تعاونی می‌توانند از کارکنان شاغل و در صورت کمبود نیروی انسانی، از سایر افراد متقاضی کار تشکیل گردد. در این مرحله، اقتصادی کردن واحدها مدنظر می‌باشد و اقداماتی در جهت معقول ساختن اهداف و تغییرات در جهت نگهداری ساختارهای شرکت صورت می‌گیرد. این حالت برای زمانی که دولت قصد واگذاری تدریجی واحدهای بزرگ را دارد و همچنین واحدهایی که دارای فعالیت‌های متنوعی بوده و دولت قصد واگذاری قسمتی از آن فعالیت‌ها را دارد مناسب است.

گاهی در واگذاری‌ها، واحدها نیاز به تجدید ساختار دارند که باید قبل از واگذاری انجام شود. اما مهم‌تر آنکه، پیش از آن کنترل‌های دولت باید

صرف می‌شود، در واگذاری‌ها به بخش تعاون با نازل‌ترین قیمت انجام خواهد شد.

چشم‌انداز شفاف توسعه بخش تعاون

۱- دو اصل ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی با شرایط و امکانات کار برای اشتغال کامل و جلوگیری از کارفرمای بزرگ و مطلق شدن دولت، دورنمای جایگاه بخش تعاون در اقتصاد کشور را روشن نموده است.

۲- توسعه روحیه تعاون، عدالت اجتماعی، فرصت‌های برابر و توزیع مناسب درآمد از ویژگی‌های بخش تعاون می‌باشد که در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ مورد توجه قرار گرفته است.

۳- بندهای ۴۷ و ۴۸ سیاست‌های کلی برنامه چهارم به توانمندسازی و تسهیل فرآیند دستیابی به منابع فناوری و توسعه پیوندهای اقتصادی و مالی بخش تعاونی اشاره شده است.

۴- سیاست‌های کلی اصل ۴۴ ابلاغی مقام معظم رهبری با تعیین سهم تعاونی در اقتصاد کشور به میزان ۲۵ درصد تا آخر برنامه پنجم، جایگاه بخش تعاون را در اقتصاد کشور مورد توجه خاصی قرار داده است.

پیشنهادهات:

- تلاش برای بسط عدالت اجتماعی و کاهش فاصله دهک‌های اول و آخر درآمدی از طریق توزیع عادلانه درآمدها و گسترش فراگیر مالکیت‌های مردم در واگذاری بنگاه‌های اقتصادی دولتی.

- مهیا کردن شرایط و امکانات لازم جهت تهیه مسکن مناسب بویژه برای اقشار کم‌درآمد جامعه یا اجرای سیاست‌های حمایتی تشویق مردم به مشارکت جمعی در تولید مسکن مناسب و ارزان‌قیمت مطابق الگوی مورد تأیید وزارت مسکن و شهرسازی و کاستن از هزینه‌ها و انجام صرفه‌جویی ممکن از طریق تأسیس شرکت‌های تعاونی مسکن و حمایت از آنها.

تدوین شده باشد. برای معقول ساختن کنترل‌های دولت باید هدف از انجام کنترل، حسن اجرای کار و نظارت بر آن و همچنین بازخوردهای لازم برای اجرای اهداف و واگذاری و تعاونی کردن فعالیت‌ها، افزایش بهره‌وری و تأمین عدالت اجتماعی مشخص شود. این کنترل در تعاونی‌ها می‌تواند از طریق اعضا و دولت و در صورت لزوم توسط مجلس شورای اسلامی و نمایندگان شوراهای محل استقرار واحدها عملی گردد.

نتیجه واگذاری واحدها به تعاونی‌ها علاوه بر جذب مشارکت مردم در امور اقتصادی، تأمین‌کننده عدالت و افزایش بهره‌وری در سطح جامعه خواهد شد.

تأمین منابع مالی واگذاری‌ها به تعاونی‌ها

بدیهی است یکی از مهم‌ترین اقدامات تعاونی‌سازی، تأمین نیازهای مالی آن است. اجرایی کردن و شفاف شدن تعاونی‌سازی در کشور مانند خصوصی‌سازی دارای هزینه‌هایی است که هزینه‌های ستاد از همان منابع موجود در سازمان خصوصی‌سازی و وزارت تعاون قابل تأمین می‌باشد. زیرا سازمان وظیفه کاهش تصدیگری دولت را به عهده دارد و وزارت تعاون مسئول اجرای قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران و اجرای اهداف قانونی آن است، لذا در فرآیند تعاونی‌سازی، هزینه جدیدی متوجه کشور نخواهد بود. هزینه‌های اجتماعی آن به مراتب کمتر از خصوصی‌سازی است و از آنجا که هزینه‌های اجتماعی آن توسط سازمان خصوصی‌سازی پیش‌بینی شده، آن قسمت که به شرکت تعاونی واگذار می‌گردد صرفه‌جویی‌هایی نیز برای آن سازمان خواهد شد زیرا در تعاونی‌سازی، پرداخت‌های ناشی از سیاست‌های تعدیل به حداقل می‌رسد و سایر اعضا نیز با توجه به حضور و مشارکت اعضای تعاونی به‌طور چشم‌گیری کاهش خواهد یافت و خدمات پرهزینه که در بخش دولتی و خصوصی

بهبود از منابع عمومی کشور از قبیل جلوگیری از اسراف و تبذیر، صرفه‌جویی در مصرف، حفظ محیط زیست، مبارزه با آفات و ناهنجاری‌های اجتماعی و دفاع از ارزش‌های اسلامی.

- توسعه حوزه تعاونی‌ها در همه زمینه‌های ممکن بویژه در امر تحقیقات و آموزش و جذب نیروهای متخصص و کارآمد کشور در تعاونی‌ها به منظور کارآفرینی هرچه بیشتر در بخش تعاون.

- تجدیدنظر در مواد و محتوای آموزش دوره‌های دبستان و راهنمایی به منظور جایگزین کردن فرهنگ کار جمعی و ایجاد روحیه مشارکت و همبستگی ملی در کتاب‌های درسی و فعالیت‌های پرورشی و فوق برنامه با همکاری وزارت آموزش و پرورش.

- به‌کارگیری شرکت‌های تعاونی خدمات تولیدکنندگان برای تأمین مواد اولیه، قطعات و سایر نیازهای واحدهای تولیدی مربوط و حذف این فعالیت از دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی و واگذاری تسهیلاتی که به واحدهای مذکور پرداخت می‌شده به شرکت‌های تعاونی مربوط.

- به‌کارگیری روش‌های مناسب جذب نقدینگی برای افزایش توان اقتصادی شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی در جهت افزایش توانایی‌های تعاونی‌ها و توسعه مشارکت مردم از طریق انتشار اوراق سهام، فروش برگ مشارکت، ایجاد همکاری بین شرکت‌های بخش عمومی با تعاونی‌های همکار و غیره.

منابع و مأخذ

- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳ - ۱۳۷۹).

- قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران.

- کبیری رهنی، محمد (۱۳۸۲). راهکارهای توسعه بخش تعاون با استفاده از کاهش تصدیگری دولت.

- نهادینه کردن مشارکت‌های مردمی در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی با هدف افزایش تحرک و نشاط عمومی مردم از طریق ترویج اصول نظام تعاونی و تبیین مزایای فعالیت جمعی و توانمند ساختن شکل‌های اجتماعی و اقتصادی.

- افزایش نقش تعاونی‌های مصرف در توزیع مایحتاج عمومی و تداوم حمایت دولت از این تعاونی‌ها با هدف اصلاح ساختار توزیع کالا در کشور به منظور کنترل قیمت‌ها و مهار تورم از طریق افزایش سهم اعضا در شرکت‌های تعاونی کارمندان و کارگران و تعاونی‌های محلات، همچنین فعال کردن تعاونی‌ها در واردات کالاهای مصرفی که باید از خارج از کشور خریداری شوند و کاهش نقش دولت و شرکت‌های دولتی در این فعالیت، و ایجاد فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای توسط آنان.

- بالا بردن سطح آموزش‌های عمومی و تخصصی در بخش تعاون و گسترش و تعمیق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و افزایش مهارت اعضا و کارکنان.

- توسعه فرهنگ تعاون و افزایش روحیه مشارکت‌جویی و مشارکت‌پذیری در کارکنان دولت و عامه مردم برای افزایش بهره‌وری از نیروی انسانی و سرمایه در فعالیت‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی با همکاری وزارتخانه‌ها و سازمان‌های فرهنگی کشور.

- افزایش سهم بخش تعاون در تولید ناخالص داخلی از طریق افزایش ظرفیت تولیدی تعاونی‌ها و بهره‌وری سرمایه و نیروی انسانی آنها، بهبود کیفیت محصولات و حضور فعال در صادرات غیرنفتی، ایجاد تعاونی‌های بزرگ و فراگیر برای تجمیع پس‌اندازهای مختصر مردمی و غیره.

- افزایش سهم شرکت‌های تعاونی در بازرگانی خارجی بویژه توسعه صادرات غیرنفتی.

- جلب مشارکت و بسیج همگانی مردم در فعالیت‌های اجتماعی مردمی در جهت بهره‌وری